

چهارشنبه ۱۱ / ۱۲ / ۱۴۰۰ جلسه ۹۳

موضوع: فقه شعائر / بررسی موانع تعظیم شعائر / اسراف

اگر تعظیم نکردن شعائر سر از هتک و وهن دین درآورد، یقیناً حرام است و یقیناً باید تعظیم شعائر شود.

۲ جهت اشکال کلی در تعظیم شعائر

۱- در تعظیم شعائر اسراف زیادی صورت می‌گیرد، چون وقتی برای اقامه مجلس عزاء، اطعام و وسایلی مثل علم و طبل و امثالهم خرج زیادی شود که مخصوصاً در مجالس عزای امام حسین (علیه السلام) صرف می‌شود، سر از اسراف در می‌آورد و دین و منطق با اسراف مخالف است. پس چون لازمه تعظیم شعائر، اسراف است، تعظیم شعائر جایز نیست.

۲- اسراف حرام است و می‌شود کلی شکل اول. *إِنَّ تَعْظِيمَ الشُّعَائِرِ يُوْجِبُ الْإِسْرَافَ وَ الْإِسْرَافُ مُحْرَمٌ فِي الشَّرِيعَةِ وَ بِحَكْمِ الْعَقْلِ وَ الْمُنْطَقِ، تَعْظِيمُ الشُّعَائِرِ مُحْرَمٌ بِحَكْمِ الْعَقْلِ وَ الشَّرْعِ.*

در پاسخ این مناقشه باید چند نکته را بیان کنیم:

نکته اول: اسراف یعنی چه؟ اسراف در لغت یعنی از حد گذشتن و تجاوز نمودن.

حد یعنی ضابطه و میزانی که بر اساس عقل و شرع قرار داده شده و اگر از این میزان تجاوز کنیم، اصطلاحاً به این کار در لغت می‌گویند اسراف. البته اسراف، فقط مالی نیست و در غیر مال هم اسراف به کار رفته است. یکی از مصادیقی که اسراف در غیر مال به کار رفته، قتل است. در قتل اسراف نکنید. مثلاً اگر یک نفر از قبیله شما را کشتند شما ۱۰ نفر از قبیله آنها را نکشید. *﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾*^۱، گاهی بعضی‌ها بر خودشان اسراف می‌کنند، یعنی زندگی و زمانشان را در مسیر حق صرف نمی‌کنند. معمولاً مشهور و بلکه شهر در استعمالات، استعمال در مال است. *﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾*^۲، کسانی که اتفاق می‌کنند، نه اسراف می‌کنند و نه مشتشان را چنان می‌بندند که یک قطره هم نچکد، بلکه آنچه که بین این دو حالت است، درست و پابرجا و صحیح است.

صاحب کتاب فقه الشعائر الدینیه انصافاً بحث کاملی در مقوله شعائر دینی دارد و بعضی از موارد دیگر را اشاره می‌کنند. در حدیث اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که للمسرف ثلاث علامات، مسرف ۳ علامت دارد:

وَرَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ.

۱- یأكل ما ليس له، چیزی که برای خودش نیست، بخورد. مثلاً شخصی حقوق بگیر جزء است و اولین حقوقش را چند پرس کباب می‌خرد و کل حقوقش می‌رود.

۱. سوره زمر، آیه ۵۳.

۲. سوره فرقان، آیه ۶۷.

۲- بیشتری ما لیس له. مثلاً یک ماشین گران می‌خرد.

۳- و یلبس ما لیس له. مثلاً یک عبا گران می‌خرد، یعنی چیزی که لایق آن نیست یا در شأن او نیست، البته نه اینکه مال مردم‌خور باشد.

پس اشکالشان در اینجا قیاس منطقی شکل اول است. در این قیاس در کبری مناقشه نداریم که الاسراف حرام. چون هم عقل و هم منطق ممنوعیت اسراف را می‌گویند و هم شرع حرمت اسراف را گفته است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾. ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾. هم نهی به آن تعلق گرفته و هم وقتی مثلاً می‌گوید ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ یعنی آنقدر اسراف بد است، که عدم حب به شخص تعلق می‌گیرد. یعنی گاهی عدم حب به فعل شخص تعلق می‌گیرد اما در اینجا برای بیان درجه زیاد آن حکم به خود شخص تعلق گرفته است مثل ظلم. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾.

اسراف بودن تعظیم شعائر در تطبیق صغری

آیا اسراف حقیقت شرعیه است یا متشرعیه؟ علی الظاهر خیر. اسراف یک حقیقت عرفی و عام است. یعنی عرف هر جا تشخیص اسراف داد، می‌گوید اسراف است و هر جا تشخیص اسراف نداد، می‌گوید اسراف نیست. یعنی خود شرع یا متشرعه برای اسراف یک معنای خاص قرار نداده بلکه عرف متشرعه و شرع همان زیادی از حد را می‌گویند اسراف.

اسراف به معنی تجاوز از حد است و خود حد را گاهی شرع، گاهی متشرعه و گاهی عرف عمومی مردم فارغ از شرع و متشرعیت معین می‌کنند. پس نتیجه این است که إن تعظیم الشعائر و بذل المال و جلسات و موبکها و امثالهم من الاسراف و الاسراف محرم. ایشان در مقام پاسخ می‌گویند:

اولاً در بعضی از تعابیر روایی داریم که در بعضی از مقوله‌ها اسراف صادق نیست، مثل اسراف در مأكول، اسراف در آشامیدنی، در صدقه، در نور، البته نور به اندازه‌ای که محل حاجت است و یا تخصصاً (خروج موضوعی) یا تخصیصاً (خروج حکمی) خارج شده باشد یعنی بشود تخصیص اصطلاحی که حکمشان برای آنها اختصاص پیدا کرده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند العلماء إلا الفساق من العلماء. الاسراف فی کل شیء حرام إلا فی هذا الاشياء. خروجشان خروج حکمی باشد که در این صورت می‌شود تخصیص و گاهی هم تخصصاً اسراف نباشد.

ثانیاً اتفاقاً در بعضی از موارد نه تنها نگفتند اسراف است بلکه در شریعت تأکید به زیادی کرده‌اند. مثلاً در عمره می‌گویند زیاد خرج کنید که دلالت دارد بر کرم و جود و اگر خرج بیشتری کنید چون خدای متعال وعده داده که جایگزین می‌کند معلوم می‌شود که اعتماد بیشتری به وعده الهی دارد که حاجی و معتمر بیشتر خرج کند. یا مستحب است که انسان در سفر بهتر از وطن خرج کند.

یک سری خصوصیات در مجالس عزا و تعظیم شعائر هست که از اسراف خارج است. مثلاً عَنْهُ عَنْ صَلَاحٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَكِيَّهٖ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ قَالَ نَزَلَتْ

فِي الْحُسَيْنِ ع لَوْ قُتِلَ أَهْلُ الْأَرْضِ بِهِ مَا كَانَ سَرَفًا^۳، اگر تمام اهل زمین به خاطر امام حسین (علیه السلام) کشته شوند این کار اسراف نیست. چون امام حسین (علیه السلام) حجت بالغه الهی بودند و در آن جایگاه بودند پس هتک حرمت امام حسین (علیه السلام) هتک حرمت خدای متعال است. لذا می‌گوییم ثار الله و ابن ثاره، این ثار، خون خدای متعال است. یعنی به خاطر شدت احترام این خون و شدت ارتباط صاحب این خون با خدای متعال، خدای متعال این خون را به خودش منسوب کرده است و این، حرمتی است که آسمان و زمین ۴۰ روز بر این خون گریستند. لذا اگر تمام جان‌های انسان‌ها با جان امام حسین (علیه السلام) معادله نمی‌کند، پس اموالشان به طریق اولی. یعنی هر چه مال در این مسیر خرج شود، اسراف نیست.

اتفاقاً اصل برپایی دین با همین بذل مال بوده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند **مَا قَامَ وَ لَسْتَقَامَ مَا قَامَ وَ لَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَيْئَيْنِ: مَالٍ خَدِيَجِهِ وَ سَيْفِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ**. اصل و بقاء و استقامت دین با مال حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و شمشیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. پس معلوم می‌شود بذل مال در امر دینی از مقوله اسراف خارج می‌شود.

ائمه (علیهم السلام) به فقرا پول می‌دادند و یا امام حسن (علیه السلام) چند بار اموالشان را در راه خدای متعال تقسیم کردند. پس اینطور نیست که هر چیزی که زیاد شد، اسمش اسراف باشد.

اگر صدقه فراوان بدهید یا یک زمین بزرگ را در یک مسیر خیر وقف کنید، آیا عقلاً و متشرعه می‌گویند این شخص اسراف کرده است؟ اگر پول زیادی را برای کمک به کسانی که شاغل نیستند، سرمایه‌گذاری کنید مثل راه‌اندازی یک کارخانه بزرگ، آیا کسی می‌گوید این شخص اسراف کرده است؟ آیا کسی که در اصطلاح امروز اشتغال‌زایی می‌کند، متهم به اسراف می‌شود؟ خیر. پس:

اولاً ما پاسخ‌های نقضی داریم مثل صدقه، وقف، کمک به نیازمندان، اشتغال‌زایی، اطعام محتاجین و امثالهم. کسانی که به تعظیم شعائر اشکال می‌گیرند، به این کارها اسراف نمی‌گویند. شاهد مطلب این است که در این موارد کسی نمی‌گوید اسراف است بلکه همه آن شخص و فعل او را مدح می‌کنند.

ثانیاً آیا افراد فاسد و منحرف که این همه برای مسیرهای غلط خرج می‌کنند، اسراف نیست؟ مثل مسافرت به سفرهای خارجی و ... جواب حلی آن این است که چه کسی گفته اینجا اسراف است؟ اگر کسی پول زیادی صرف کند که در شهری جلوی دزدی را بگیرد، هیچ کس نمی‌گوید این کار اسراف است. بنابراین انصافاً اسراف نیست.

ثالثاً اسراف یعنی زیاده از حد و اگر مثلاً در مجالس عزا هم زیاده از حد شد، قبول داریم که اسراف است و جایز نیست.

رابعاً در خیلی از موارد اصلاً اسلام گفته پول زیادی بدهید. مثلاً شخصی ۱۰ میلیارد پول اضافه دارد و شارع می‌گوید ۲ میلیارد تومان آن را به عنوان خمس بده و در اینجا کسی نمی‌گوید این کار اسراف است، چون امر واجب الهی است. پس انصافاً سر از اسراف در نمی‌آورد.

۳. الکافی - ط الاسلامیه، الشیخ الكلینی، ج ۸، ص ۲۵۵.

خامساً گاهی خرج کردن در این موارد مقتضای حاجت و ضرورت است. یعنی باید این کارها را انجام داد و آنچه که ما مخصوصاً نسبت به شعائر حسینی استفاده می‌کنیم، فقط احیاء دین نیست بلکه تعظیم و تفخیم اینها مطلوبیت شرعیه دارد. خدای متعال می‌فرماید و من يعظم شعائر الله. فرض هم این است که اینها شعیره است. پس می‌گوید شعیره را تعظیم کن و لازمه تعظیم این است.